



گرنش به رویز یونیسف و سوسیال امپریالیسم

پاسخی به معاملات مندرج در نشریه "سار"

درباره

"کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر"

"کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر"

اول آبان ۵۸

نوشته حاضر که تحت نام "کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه
کارگر" انتشار می یابد . به اعضا کلیه اعضا "کنفرانس وحدت" بغیر
از "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" رسیده است . با این
تذکره "سازمان پیکار" با مضمون آن مخالفتی ندارد .

مقدمه

"سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" در مقاله ای که در نشریه کار (شماره ۲۲ و ۲۳) درج کرده است "کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر" (که از این پس برای رعایت اختصار به اسم کنفرانس از آن یاد میکنیم) را به سختی مورد حمله قرار داده و متهم ساخته است که در رابطه با "مبارزات خلق کرد" و مسائل کردستان "موضع ارتجاعی" گرفته و با "ارتجاعی ترین جناح هیئت حاکمه همصدا شده است" لیکن با مطالعه این مقاله معلوم میشود که آنچه بعنوان "موضع ارتجاعی" مدنظر رفقای فدائیس بوده ارزیابی کنفرانس از "حزب دموکرات کردستان ایران" بعنوان "ان یک نیروی وابسته به بیگانه، و مرزبندی قاطعانه علیه این نیروست" این موضوع محور اصلی انتقاد رفقای فدائی بوده و در سرتاسر مقاله، کنفرانس به خاطر چنین موضعی مورد نکوهش و حمله ایشان قرار گرفته است (۱)

از اینجا دو نتیجه حاصل میشود. اول آنکه رفقای فدائیس، مبارزات خلق کرد را در وجود حزب دموکرات خلاصه کرده و این دورا بر یکدیگر منطبق نموده اند. گویا در کردستان فقط حزب دموکرات کردستان است که علیه حکومت مبارزه میکند (اینکه مبارزه حزب دموکرات از چه مقوله و در رابطه با چه تضادهایی است فعلاً مورد نظرمان نیست) این طرز برخورد، صرف نظر از آنکه به نفسی موجودیت و مبارزه سایر گروهها / سازمانها / احزاب و دستجات سیاسی می انجامد، اساساً نشانگر بینشی غیر توده ای است، بینشی که در رابطه با مبارزات سیاسی برای توده ها و مبارزات توده ای بطور کلی نقش و ارزش قائل نیست "مبارزات خلق کرد" را با مبارزه ای که حزب دموکرات (و بطور کلی هر سازمان سیاسی

دیگری) انجام میدهد، یکی کردن، یعنی مخلوط کردن و مقوله ' اساساً متفاوت: مبارزات خلق کرد' بسیار وسیعتر، متنوع تر، پیچیده تر و غنی تر از مبارزه ای است که یک سازمان سیاسی میتواند انجام دهد. حتی اگر این سازمان سیاسی پیرو خط مشی صحیح و حامل اهداف و منافع واقعی توده های خلق کرد باشد (حزب دموکرات که جای خود دارد)، این دو مقوله نه تنها از لحاظ کمی، بلکه و بیشتر از لحاظ کیفی با یکدیگر تفاوت اساسی دارند. لیکن رفقای فدائی، در چارچوب بینشی که از پیشگامان خود به ارث برده اند، بطور کلی مبارزه را از روزه 'فعالیت‌های که سازمان‌های رهبری کننده انجام میدهند نگریسته و نقش توده ها را به هیچ میگیرند (و یا حداکثر یک نقش فرعی، تبعی و دنباله روانه نسبت به سازمان‌های رهبری کننده برای آنها قائلند). عبارت دیگری از دیدگاه رفقای فدائی (و بطور کلی از دیدگاه بینش چریکی) مبارزه در درجه اول امر سازمان‌های رهبری کننده است و نه امر خود توده ها. به همین جهت هم مقوله 'مبارزات خلق کرد' را با مقوله 'حزب دموکرات یکی گرفته اند. و درست به همین خاطر است که موضع گیری علیه حزب دموکرات را (اعم از اینکه این موضع گیری در هر رابطه ای باشد) موضع گیری علیه 'مبارزات خلق کرد' دانسته و 'ارتجاعی' ارزیابی میکنند.

نتیجه 'دم آنست که رفقای فدائی ضمن آنکه به حمله ای آتشین علیه کفرانس دست زده اند بعنوان مدافع سفت و سخت و مبلغ د و آتش حزب دموکرات در صحنه ظاهر شده و به این ترتیب ضمن فاصله گرفتن از متحدین واقعی خود یعنی از صفوف نیروهای واقعاً انقلابی، گام دیگری در راه نزدیکی به نیروهای وابسته و از لحاظ سیاسی غیر قابل اعتماد برداشته اند. نتایج این حرکت به جز تضعیف جنبش انقلابی خلق و تقویت و تشدید خطر به انحراف کشیده شدن آن چیز دیگری نیست.

باتوجه به خصلت وابستگی رهبری حزب دموکرات کردستان و ناشناخته بودن این خصلت در نزد توده های خلق و بویژه زحمتکشان کردستان که بخشاً ناشی از سوابق گذشته این حزب می باشد باتوجه به امکانات حزب دموکرات در زمینه های مالی و نظامی و ... که بنوبه خود در جلب بخشهایی از مردم کردستان بی تأثیر نیست و بالاخره با توجه به حیثیت و اعتباری که "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" به خاطر کوله بار بزرگی از رشادتها و فداکارهای گذشته و حال خود نزد توده های مردم تحصیل کرده است ... این گونه موضع گیریها و گرایشات از جانب این سازمان می تواند تأثیرات مهمی در ادامه فریب و ناآگاهی توده ها بجا گذارده و خطرات بزرگی برای آینده جنبش در برداشته باشد . بدین لحاظ مبارزه علیه این گرایشات در کنار افشای ماهیت و خصلت رهبری حزب دموکرات کردستان - و بطور کلی جریانهای سیاسی وابسته در درون جامعه - از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار و بسیار ضروری بنظر میرسد . این ضرورت ما را بر آن داشت که هر چند به اختصار، به مقاله "رفقائی فدائی پاسخی تا حد امکان قانع کننده داده و در ضمن نشان دهیم که چرا این فقط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است که بدفاع سرسختانه از حزب دموکرات برخاسته است .

* * *

قبل از آنکه به بحث درباره "ماهیت انتقاد رفقائی فدائی" بپردازیم، مقدماً لازمست شیوه های ناسالنی را که این رفقادر برخوردار به نظریات ما بکار برده اند بطور مختصر مرور نماییم . آنچه رفقائی فدائی در برخورد به نظریات ما بدان استناد کرده اند بیانیه ای است تحت عنوان "به یاری مردم کردستان، پرچمدار مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران بشتابید" که در تاریخ ۵۸/۵/۱۷ توسط کفرانس منتشر شده است . این بیانیه

حاوی نقطه نظرها و مواضع اصولی کنفرانس در رابطه با اوضاع
کردستان و نیروهای سیاسی حاضر در صحنه مبارزات آن منطقه
و نقش هر یک از این نیروها در آن هنگام می باشد. رفقای فدائی
در استناد به این بیانیه مرتکب دو "لغزش" غیر قابل توجیه
گردیده اند. نخست آنکه ایشان بعبوض آنکه مواضع بیانیه را که
از یک ارتباط و به هم پیوستگی درونی برخوردار است مجموعاً
مورد انتقاد قرار دهند، تنها یک نکته از آن را بیرون کشیده و بدون
ارتباط با سایر جنبه های موجود در بیانیه، بعنوان موضع کنفرانس
بباید حمله گرفته اند و به این ترتیب این موضع را تماماً تحریف
کرده اند. دوم، رفقای فدائی بیانیه مزبور را از شرایط و اوضاع
و احوال مشخصی که در متن آن به رشته تحریر درآمده جدا و
منتزاع نموده و محتویات آنرا در رابطه با شرایط و اوضاع و احوال
دیگری مورد انتقاد قرار داده اند. اکنون هر یک از این دو مورد
را نشان میدهیم:

۱- تحریف

برخورد رفقای فدائی به بیانیه کنفرانس بگونه ای است که گویا
این بیانیه فقط و فقط به افشاگری در مورد حزب دموکرات کردستان
اختصاص یافته است. آنها به این ترتیب نه تنها تصویر نادرست
و قلب شده ای از بیانیه در ذهن خوانندگان خود ترسیم کرده اند
بلکه ارتباط درونی و منطقی را که بین موضع کنفرانس نسبت به حزب
دموکرات و مواضع دیگر آن در رابطه با سایر نیروهای موجود
و بطور کلی در رابطه با جنبش خلق کرد وجود دارد، یکسره از قلم
انداخته اند.

برای اینکه مطلب روشنتر شود و "موضع ارتجاعی" کنفرانس
و جدت با وضع بیشتری آشکار گردد اجازه بدهید مرور مختصری
از بیانیه بعمل آوریم. "موضع ارتجاعی" بیانیه در رابطه با
خواستهای اساسی و عمیق خلق کرد به ترتیب زیر آمده است:

"مردم زحمتکش کردستان خواهان از میان رفتن ستم

ملی و احقاق حقوق پایمال شده خلق کرد، صادره و
واگذاری اراضی مالکان بزرگ ارض به شوراهای
اتحادیه های دهقانی، قطع نفوذ عمال و ایادی
امیرالیسم، خواهان خودمختاری، دموکراسی و آزادی
هستند.

در رابطه با دشمنان خلق کرد بیانیه می نویسد :
" درصفت مقدم دشمنان خلق کرد، مالکان بزرگ
ارضی و ایادی مزدور امیرالیسم، "قیاده موقت"
و پس مانده های رژیم منغور شاه همچون پالیزمان
قرار دارند."

و در رابطه با نقش دولت موقت :

" دولت موقت در برابر این مبارزات (مبارزات خلق
کرد علیه امیرالیسم و سرمایه داران) دست یاری و
همدستی بسوی مالکان بزرگ و دار و دسته های
وابسته به امیرالیسم چون "قیاده موقت" دراز کرده
وزیر عنوان " مبارزه با تجزیه طلبی " اما در حقیقت
مبارزه با انقلاب می خواهد به نفع دشمنان خلق کرد،
"نظم" را در این منطقه برقرار کند. " ارتش اسلامی "
در عمل به نفع این نیروهای ارتجاعی وارد عمل شده و
به فتودالها و عوامل امیرالیسم پشتگرمی میدهد."

بیانیه کنگرانس همچنین اهمیت اتحادیه های دهقانی کردستان
را مورد تأکید قرار داده و آنها را " پرچمداران جنبش انقلابی
خلق کرد " نامیده است " چرا که اتحادیه های دهقانی و شوراهای
انقلابی شهروروستا شالوده " واقعی خودمختاری و حاکمیت خلق
کرد است."

تنها پس از ذکر این نکات در رابطه با خواسته های اساسی
خلق کرد و مشخص کردن صفت دشمنان عمده آن از لحاظ طبقاتی
سیاسی است که بیانیه به حزب دموکرات کردستان و به خلق کرد

هشدار میدهد که فریب حيله و نیرنگ و الفاظ فریبنده، این حزب
و بویژه رهبری منحط و وابسته، آنرا نخورند.
رفقای فدائی فقط به همین نکته آخر چسبیده و از طرح
و بررسی مجموعه، مواضع اعلام شده در بیانیه استتکاف ننموده اند و با
این عمل خوش موضع کفرانس را در رابطه با مسائل کردستان سرپا
تحریف کرده و کاملاً مغایر با آنچه که هست ارائه داده اند.
ایشان با ارتکاب این تحریف وزیر با نهادن شرط صداقت
و اصول امانت داری، در حقیقت کوشیده اند با سو، استفاده از نا-
آگاهی خواننده و حتی با فریفتن وی، حقانیت نظرات خوش را به
کرسی بنشانند. در واقع، خواننده ای که بیانیه کفرانس را ندیده
و با آن کسی که بیانیه بدستش رسیده، لیکن محتویات آنرا دقیقاً به
خاطر ندارد، چنانچه به سخنان رفقای فدائی اعتماد نموده و گفتار
ایشان را ملاک قرار دهد، ممکن است دچار این شبهه شود که گویا
کفرانس، دشمن اصلی و عمده، خلق کرد را حزب دموکرات کردستان
به حساب آورده است، بویژه آنکه رفقای فدائی، درست در رابطه
با انتقاد از موضع ما نسبت به حزب دموکرات، بیش از نیمی از یک
ستون مقاله را به توضیح مفاهیمی نظیر "استراتژی"، "تاکتیک"،
"منفرد کردن دشمن عمده" و ... اختصاص داده اند. طبیعی
است که پس از حذف نکات اساسی بیانیه و از هم گسیختن رابطه
و به هم پیوستگی درونی نظریات مندرج در آن، رفقای فدائی نیازی
هم نداشته اند که به جوانب دیگر آن نظریات برخورد نموده
و منجمله توضیح دهند که چگونه "ارتجاعی" بودن موضع کفرانس
نسبت به مسائل کردستان در سایر نقطه نظرها، ارائه شده در
بیانیه بازتاب یافته و همانا این نقطه نظرها چه رابطه ای با
ارزیابی کفرانس از حزب دموکرات داشته است. ایشان ترجیح
داده اند با مسکوت گذاردن این نکات گریبان خود را از شر
تناقضاتی که مطرح ساختن آنها به همراه داشت خلاص نموده و از
این لحاظ نیز کلاه سر خواننده بگذارند. (۲)

۲- مغشوش کردن تاریخ ها: رفقای فدائی می نویسند *

" در روزهایی که ارتجاع حاکم با توپ و تانک و هلی کوپتر و هواپیما به قصد سرکوبی نهضت خلق کرد مشغول قشون کشی است ۰۰۰ کفرانس چی ها- ی ما اعلامیه داده اند و حزب دموکرات را نیروی وابسته به بیگانه و خیانتکار اعلام کرده اند "

از اینجا چنین مستفاد میشود که تاریخ انتشار بیانیه همزمان بوده است با شروع لشکرکشی به کردستان . این حرف صاف و ساد دروغ است . تاریخ انتشار بیانیه ۵۸/۵/۱۷ یعنی حدوداً یک هفته قبل از شروع لشکرکشی به کردستان است (۳) خود رفقای فدائی در بخش دیگری از مقاله خوش می نویسند:

" در شرایطی که اندک تیزبینی در مسایل - که شرط داشتن آن حضور عملی در مبارزات توده های است - کاملاً مسلم بود که روزهای آتی روزهای خونین خواهد بود ۰۰۰ " (تاکید از ما است)

بنابراین کاملاً روشن است که هجوم ارتش و پاسداران به کردستان مؤخر بر تاریخ انتشار بیانیه کفرانس بوده است . اینکه رفقای فدائی در بخش از مقاله خود با عبارات گنگ و دوپهلوی تاریخ انتشار بیانیه را همزمان با حمله ارتجاع به کردستان وانمود کرده اند ناشی از یک اشتباه یا لغزش قلم نیست بلکه ایشان عالمانه و عامدانه به مغشوش کردن تاریخ ها مبادرت نموده اند .

در واقع نقل قول اول حاوی دو ایراد است . یکی اینکه کفرانس، حزب دموکرات را یک نیروی وابسته و خیانتکار ارزیابی کرده است و دوم آنکه کفرانس این ارزیابی را در شرایط هجوم نظامی ارتجاع اعلام کرده است .

بحث در مورد ماهیت حزب دموکرات کردستان و ویژه رهبری آن

را می گذارم برای بعد . لیکن آنچه رفقای فدائی را سخت
آزرده خاطر کرده است و آنرا معصیت کبیره ای بشمار آورده اند
(تا آنجا که داغ "ارتجاعی" بر پیشانی ما کوبیده اند) اتخاذا
موضع علیه حزب دموکرات، بخصوص در شرایط هجوم ارتجاع —
می باشد . رفقای فدائی از اینکه در شرایط جنگ، در شرایطی که
صحبت بر سر "توپ و تانک" و هلی کوپتر و هواپیماست "باز هم
این کفرانس چی ها" بی عمل و حراف دست از خط کشی ها —
ی ایدئولوژیک و سیاسی خود بر نمی دارند بشدت برآشفته شده اند
در اینجا ما با یکی از مظاهر بارز مشی چریکی که از یک
انحراف عمیق و دیرپا سرچشمه میگیرد مواجهیم: کم بهادان به
ایدئولوژی و فد کردن آن در مقابل "توپ و تانک" (سابقاً در مقابل
"سلسل و نازنک") در باره "کیش اسلحه و خوار شمردن مبارزه"
ایدئولوژیک که یکی از مشخصات مهم مشی چریکی است تا کون
سخن زیاد گفته شده و ما در اینجا قصد ندارم وارد این بحث
شوم . اما ذکر این نکته شاید خالی از فایده نباشد که انحرافات
مشی چریکی و منجمله تخطئه و تحقیر ایدئولوژی و شیفتگی در مقابل
اسلحه، چنانکه ملاحظه میکنیم، بسی جان سخت تر از آنند که به
این سهولت از میان برداشته شوند . حتی یک جنبش توده ای
به عظمت جنبش توده ای ایران طی دو سال اخیر، آنهم پس از به
بن بست رسیدن تقریباً کامل مشی چریکی چه در زمینه سیاست وجه
در زمینه تشکیلات، هنوز که هنوز است نتوانسته به این انحرافات
در درون جنبش کمونیستی ایران خاتمه دهد . آیا علت این امر را
نباید در ضعف ایدئولوژیک و تئوریک مجموعه "جنبش مارکسیست
لنینیست ایران و عدم توانایی کافی آن برای زدودن کامل این
انحراف جستجو کرد ؟

باری، در چارچوب این منطق توپ و تانکی، چریکهای فدائی
مجبور می شوند تاریخ وقایع را قدری پس و پیش کنند تا به
پیوستگی درونی استدلالشان لطمه ای وارد نشود . بعبارت

دیگر برای اینکه در چارچوب منطق فوق الذکر، محکومیت کفران‌س
مسجل باشد، لازمست تاریخ انتشار بیانیه و تاریخ وقوع جنگ در
کردستان یکی باشد. منتهی برای اینکه در ضمن دم به تله
نداده باشند، این دو تاریخ را بطرزی ظریفانه و "زیرکانه" (یکبار
دیگر به نقل قول که آورده شد مراجعه کنید) با یکدیگر مغشوش کر-
ده اند. احسنست به این استبعاد!

رفقای فدائی عیناً همین سو، استفاده را در رابطه با شعار
"پیش بسوی اخراج قیاده موقت" که در بیانیه کفران‌س روی آن تأ-
کید شده بود بعمل آورده اند. ایشان می نویسند:

"باید از کفران‌س چی های محترم پرسید
هدفشان از طرح این شعار چیست؟ آیا
ابلهانه نیست درست در آغاز روزهای تهاجم
که "قیاده موقت" فعلاً پای خود را از جنگ
کنار کشیده و اعلام "بی طرفی" کرده است
مردم را دعوت به اخراج قیاده موقت کنیم؟"
(تاکید از رفقای فدائی)

از این گفته چنین استنباط میشود که شعار "اخراج قیاده
موقت" به دو دلیل نادرست است. یکی اینکه این شعار مصداق
با "آغاز روزهای تهاجم" بوده و لذا طرح آن میتواند توجه
توده ها را از دشمن عمده یعنی ارتجاع مهاجم منحرف سازد.
دم آنکه "قیاده موقت" پای خود را از جنگ کنار کشیده و اعلام بی
طرفی کرده است.

این امر که پس از تهاجم آشکار ارتش و پاسداران و منفعل
شدن نسبی و موقتی "قیاده موقت" تاکیک و شعار صحیح درباره
این نیرو چیست در اینجا مورد بحث ما نمی باشد. فقط به ذکر
دو نکته در این رابطه اکتفا می کنیم. اولاً در اوضاع و احوال
حدید یعنی پس از هجوم ارتجاع شعار "اخراج قیاده موقت" دیگر
بعنوان شعار اصلی و عمده جهت تبلیغ در میان توده ها و بسیج

آنها نادرست بوده و بجای آن شعار "مقاومت در برابر ارتجاع" نقش اصلی و عمده را بازی میکند. ثانیاً در کنار این شعار اصلی و عمده، برخلاف نظر رفقای فدائی، شعار "اخراج قیاده موقت" بعنوان شعار درجه دوم نیز می تواند و باید در بین توده ها و به منظور حفظ و بالا بردن آگاهی و هشیاری آنها تبلیغ شود.

ولیکن بحث بر سر اینها نیست. موضوع آنست که ما باز هم با نمونه دیگری از مغشوش کردن تاریخها و سوء استفاده از این امر از جانب رفقای فدائی مواجهیم. شعار "اخراج قیاده موقت" چه موقع مطرح شد؟ درست هنگامی که این دارودسته به هیچ وجه بی طرفی خود را اعلام نکرده و همه جا بعنوان اهرم اصلی ارتجاع (مرکزی و مومی) و عامل اجرای توطئه های مالکان و عوامل امپریالیسم فعالانه نقش بازی میکرد. هنگامیکه ارتجاع هنوز در حال لاس با خانها و سران مرتجع محلی و نیز همین "قیاده موقت" به سرمیبرد و تهاجم آشکار همه جانبه خود را آغاز نکرده بود. بعد ها البته پس از آنکه متوجه شد قادر نیست از این راه مقاصد توطئه گرانه خود جامه عمل بپوشاند، چاره را در قشون کشی آشکار و اشغال نظامی کردستان دید و به آن مبادرت نمود.

شعار "اخراج قیاده موقت" در آن شرایط یعنی قبل از هجوم آشکار و مستقیم ارتجاع، شعاری بود صحیح و رفقای فدائی اگر به این امر معتقد نیستند می بایست دلائل خود را ارائه دهند. لیکن نه با جا بجا کردن تاریخ وقایع، کاری که در مقاله خود انجام داده اند. شعار "اخراج قیاده موقت" را ما حدود یک هفته قبل از آغاز جنگ مطرح کرده بودیم. آنگاه رفقا ایراد میگیرند که چرا در شرایطی که "قیاده موقت" فعلاً پای خود را از جنگ کنار کشیده و اعلام بی طرفی کرده کفرانس "ابلهانه" این شعار را طرح نموده است!!! این ایراد رفقا در عین حال به خواننده اینطور القا میکند که گویا کفرانس پس از شروع جنگ در کردستان، ارتجاع را یکسره به دست فراموشی سپرده و مردم را دعوت به اخراج قیاده موقت

کرده است . و حال آنکه نه کنفرانس و نه هیچیک از نیروهای شرکت کننده در آن چنین خطائی مرتکب نشده اند . کافیسیت به اعلامیه ها، نشریات و روزنامه های گروههای شرکت کننده در کنفرانس نظری هرچند سطحی بیاندازم تا عکس آن به رأی العین به ما ثابت شود .

حال که اینطور است، پس دلیل آنکه رفقای فدائی اینقدر در تحریف و قلب واقعیات اصرار می ورزند چیست؟ آیا این امر نشان دهنده ضعف ایشان در دفاع از مواضع متزلزل و بینابینی خوش نسبت به برخی نیروها منجمله حزب دموکرات و آریابان روس آن نیست؟ آیا این امر حکایت از آن ندارد که انبان ایشان خالی است و چاره ای جز توسل به این شیوه ها برای آنها باقی نمانده است؟

البته رفقای فدائی اینبار نیز در امر مغشوش کردن تاریخها مهارت و زبردستی از خودشان نشان داده اند . ایشان از طرح شعار " اخراج قیاده موقت "، در آغاز روزهای تهاجم سخن گفته و می افزایند :

" اندک تیزبینی در مسایل . . . مسلم بود که روزهای آتی روزهایی خونین خواهد بود و ارتجاع برای بخون کشیدن خلق کرد شمارش معکوس را آغاز کرده است " به این ترتیب ما علاوه بر اینکه توجه نکرده ایم که " قیاده موقت " پای خود را از جنگ کنار کشیده " به اینهم توجه نکرده ایم که چه جنگ تازه می خواهد شروع شود!!

ولی صرف نظر از تناقضاتی که در گفته های رفقای فدائی موجود است، انتقاد ایشان حاوی يك هسته صحیح می باشد که ما در اینجا ضمن پذیرش آن از رفقا بخاطر توجه به این نکته تشکر می کنیم در واقع همانطور که رفقا اشاره کرده اند، کنفرانس " تیزبینی " لایم را در رابطه با سیر وقایع و تغییر و تحولات بعدی آن از خود نشان

نداد . کفرانس نتوانست به موقع قریب الوقوع بودن تهاجم ارتش و پاسداران و تغییر اوضاع کردستان را تشخیص دهد . همین امر که به فاصله یک هفته قبل از شروع حمله ارتجاع، قیاده موقستدر بیانیه کفرانس درصف مقدم دشمنان خلق کرد معرفی شده نشا- نگر عدم تیزیی آن می باشد .

لیکن تذکر چند نکته در همینجا ضروری بنظر می رسد: اولاً هر قدر بیانیه در ارزیابی از اهمیت نسبی نیروهای که درصف دشمنان خلق کرد قرار داشته و دازند دچار اشتباه شده باشد در ترکیب آنها خطا نکرده است مالکان بزرگ ارضی و عمال و ایادی مزدور امپریالیسم، قیاده موقت، دولت موقت، ارتش اسلامی .

ثانیاً ما ضمن قبول این انتقاد و اعتراف به عدم تیزیی لازم (و یا بقول رفقای فدائی) لمس نکردن مفهوم مبارزه طبقات و درگیری نیروها " کوریون در تشخیص صف بندی نیروها " نبردن بوی از سیاست " (۰۰۰) بسیار مایلیم بدانیم که در همان هنگام میزان تیزیی خود رفقای فدائی چه اندازه بوده است . ایشان در تاریخ ۵۸/۶/۴ (۱۸ روز پس از انتشار بیانیه کفرانس) یعنی هنگامیکه دیگر ارتش بطور همه جانبه دخالت خود را آغاز کرده و جنگ کردستان بصورت تمام عیار درگیر شده بود بیانیه ای منتشر کرده و طی آن اعلام میکنند :

" سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بنا بر سرشت خود (؟) و از آنجا که صداقت انقلابی را گرامی ترین خصلت هر نیروی انقلابی می شمارد نمی تواند و نباید برای جلب نظر آنان که اشتباه میکنند و اشتباهشان به قیمت خون هزاران هم میهن ما تمام میشود از بازگو کردن حقایق برای مردم میهن خوش چشم بپوشد " (تاکید از ماست)

چه کسی "اشتباه" کرده و "اشتباهش" به قیمت خون هزاران هم میهن ما مقام شده است؟ (۴) اگر منظور از این "اشتباه" همان قشون گشی ارتجاع به کردستان می باشد آنگاه آیا ما حق نداریم در اینکه رفقای فدائی واجد "تیزی" "لازم بوده"، مفهوم مبارزه، طبقات و درگیری نیروها را لمس میکنند "در تشخیص صاف بندی نیروها کور نیستند" و "از سیاست بوی برده اند" کمی اظهار شك و تردید کنیم؟

علاوه بر نکاتی که در بالا مطرح شد، ما انتقادات دیگری را به بیانیه منتشر شده از جانب کفرانس وارد می دانیم و از این فرصت برای انشاء و تصحیح آنها استفاده میکنیم. این انتقادات بازمیگردد به لغزش و سهل انگاری ما در عدم تفکیک دقیق میان ماهیت رهبری حزب با رده های میانی و توده های حزبی (به اینصورت که در بعضی فرمول بندی ها، رهبری و تمامی حزب با یک چوب رانده شده اند) و نیز اغراق و مطلق کردن یک جنبه از ماهیت سیاسی حزب در مکررات در رابطه با وابستگی آن.

باضافه، ما وابستگی حزب در مکررات را، بعوض آنکه در ایدئولوژی آنان تبیین کنیم در خصوصیات شخصی و فردی این رهبران عنوان نمودیم. این برخورد آلوده به متافیزیک است و دیدگاهی نادرست درباره مفهوم "وابستگی" است. (مثلاً آنجائیکه وابستگی حزب را مترادف با "خیانتکاری"، "خود فروختگی"، "مزدوری" و "جاسوس" می رهبران آن تلقی کردیم) این لغزشها تا حدی موجب مخدوش شدن مرز میان تضاد نیروهای انقلابی و حزب در مکررات با تضاد آنان و رژیم حاکم گردیده است.

اما رفقای فدائی در مورد خیانتکاری و رابطه آن با وابستگی چه برخوردی داشتند؟ این رفتار عنوان کردن اینکه حزب در مکررات خیانتکار نیست - و یا هنوز نشده است - امر وابستگی را هم به دنبال رد خصلت خیانتکاری نفی کرده اند و سرنا را از دهان گشاد زده اند. وابستگی به کشوری بیگانه که سیاست امپریالیستی دارد،

سرانجام به خیانت به خلق منجر خواهد شد . رفقای ما بایست برای نفی کردن خصلت وابستگی در مورد رهبری حزب دموکرات غلبه جلوه های استقلال را در سیاست و عملکرد رهبری این حزب نشان دهند . زیرا يك حزب وابسته هم ممکن است در دوره هائی از مبارزه علیه رژیم ارتجاعی حاکم، مرتکب خیانت نشده باشد و حتی موقتاً علیه آن مبارزه کند . اما در چنین حالتی هم به دلیل خصلت ناپیگیری و سازشکارانه مبارزه آن، که نتیجه امر وابستگی و ماهیت طبقاتی آنست، افشای سیاست های مزبور برای آگاه کردن توده ها و پیشگیری از خطرات آینده، ضرورتی مسلم است .

چگونه رفقای فدائی دفاع از حزب دموکرات کردستان را توجیه میکنند ؟

چکیده استدلالهایی که رفقای فدائی برای اثبات صحت و ضرورت دفاع و حمایت از حزب دموکرات کردستان ارائه میدهند به این قرار است :

۱- امروز حمایت از خلق کرد یعنی حمایت از سازمانهای سیاسی خلق کرد .

منظور از " سازمانهای سیاسی خلق " کرد قاعداً سازمانهایی هستند که دارای خصلت مترقی و خلقی بوده و در عرصه مبارزات کردستان حضور و نقش داشته باشند . لیکن منظور رفقای فدائی در جای دیگری به صراحت بیان شده است . این سازمانها عبارتند از

" فدائیان، جمعیت زحمتکشان کردی (!؟) و دموکراتها "

و اما دلیل آنکه حزب دموکرات در زمره " سازمانهای مترقی و خلقی کردستان به حساب آمده چیست ؟ دلیلش آنست که :

" ما (یعنی رفقای فدائی) معتقدیم که حزب دموکرات کردستان يك جریان

دموکراتیک با گرایشات لیبرالیستی
است و عمدتاً متکی به اقشار متوسط
خلق کرد است و برای حل مسأله
ملی در کردستان مبارزه میکند *

در اینکه وظیفه نیروهای مبارز و مترقی، دفاع و حمایت از خلق
کرد در مبارزات عادلانه اش علیه ارتجاع و امپریالیسم است شکی
نیست. لیکن رفقای فدائی این وظیفه را خلاصه میکنند در "حما-
یت از سازمانهای سیاسی خلق کرد" و به این ترتیب بار دیگر
بینش و نظرگاه غیرتوده ای خود را به نمایش میگذارند. "حمایت
از خلق کرد" به هیچ وجه "حمایت از سازمانهای سیاسی خلق کرد"
نه "امروز" و نه هیچ زمان دیگری یکی نیست و همانطور که قبلاً هم
اشاره کردیم، اینها دو مقوله کفایتاً و کیفیتاً متفاوتند.

حمایت از سازمانها و نیروهای مترقی و خلق کردستان فقط
یکی از مقوله های حمایت از خلق کرد بوده و بعلاوه همواره چنانچه
حمایت از جانب یک نیروی مارکسیست - لنینیست صورت گیرد -
می بایست توأم با مشخص کردن قید و شرط های لازمه و همراه با
کشیدن خط و مرز روشن و مشخص در زمینه اختلافات موجود باشد.
رفقای فدائی هیچگونه قید و شرط و خط و مرزی برای "حمایت از
سازمانهای سیاسی خلق کرد" قائل نشده اند و به این ترتیب
از جهت از معیارهای طبقاتی عدول کرده اند. اول از آن جهت
که با موظف کردن نیروهای مارکسیست لنینیست به حمایت بسد و ن
قید و شرط از "سازمانهای سیاسی خلق کرد" حق هرگونه مبارزه
ایدئولوژیک و فعالیت روشنگرانه در باب ماهیت طبقاتی این
سازمانها را از ایشان سلب نموده اند. و دوم از آن جهت که
وظیفه "حمایت از سازمانهای سیاسی خلق کرد" را بطور یکسان
و متساوی برای کلیه نیروهای مبارز و مترقی قائل شده و در این
میان هیچ وظیفه ویژه ای را برای نیروهای مارکسیست - لنینیست
تعیین ننموده اند. بعبارت دیگر هیچگونه تمایزی بین

مارکسیست - لنینیست ها از یکسو و سایر نیروهای ملی و مترقی مبارز از سوی دیگر، که در تعیین وظایف و نحوه انجام این وظایف برای هر یک آنها بازتاب پیدا کند، قائل نشده اند. در نتیجه کفرانس همان وظایفی را در رابطه با کردستان دارد که بعنوان مثال بر عهده مجاهدین خلق، جبهه دموکراتیک ملی، جنبش مسلمانان مبارز، اتحاد چپ و ۰۰۰ می باشد. طبعاً هنگامی که آنچه از نیروهای مارکسیست - لنینیست طلب میشود، نه دفاع پیگیرانه و تا به آخر از نافع طبقات زحمتکش و تحت استثمار بلکه در ردیف نیروهایی با وابستگی های طبقاتی دیگر، چیزی در حد "حمایت از سازمانهای سیاسی خلق کرد" باشد، انتظار هم نباید داشت که این حمایت همراه با مرزبندی و خط کشی های طبقاتی صورت گیرد.

حال چنانچه مبارزه خلق کرد را به چند سازمان خلاصه نکرده و معیارها و مرزبندی های طبقاتی و ایدئولوژیک را نیز فراموش نکنیم، ما نیز معتقدیم که مارکسیست - لنینیست ها موظفند از سازمانها و نیروهای مترقی و خلقی کردستان حمایت کنند. شك نیست که سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، دفتر عزالدین حسینی و برخی سازمانها و گروههای کوچکتر، جزو نیروهای مترقی و خلقی حاضر در صحنه مبارزات کردستان محسوب میشوند. اما در اینکه حزب دموکرات کردستان نیز در زمره این نیروها باشد، بسیار شك هست.

رفقای فدائی عنوان میکنند که حزب دموکرات کردستان "یک جریان دموکراتیک با گرایشات لیبرالیستی است" این عبارت کس را چه معنا و مفهومی دارد؟ "دموکراتیسم" حزب دموکرات در کجا و در چه چیز منعکس و متبلور شده است؟ شما می توانید سرتاسر مقاله و همچنین نوشته های دیگر رفقای فدائی را زیر رو کنید. مطمئن باشید پاسخی برای این سؤال نخواهید یافت. تنها چیزی که بدست خواهید آورد آنست که رفقای فدائی به "دموکراتیک"

بودن حزب دموکرات کردستان " معتقدند: چه دلیل محکم تراز
این؟! آیا اعتقاد رفقای فدائی به يك موضع سیاسی مشخص
برای اثبات آن موضع کافی نیست؟ ما معتقدیم پس شما نیز برای هوا-
داران، "پیشگامان" و سایر کسانی که برای ما عزت و احترامی
قائلید "معتقد" شوید و دنبال دلیل دیگری نگردید.

و اما راجع به "گرایشات لیبرالیستی" وضع قدری متفاوت است.
رفقای فدائی ضمن ادامه توضیحات خود در مورد حزب دموکرا-
ت، از خصوصیات نظیر اعتقاد به "سازش طبقات"، "تخفیف
مبارزه" طبقات در کردستان، "عده کردن مساله ملی، توصیه به
دهقانان که "اول مساله ملی را حل کنیم، بعد به اختلافات
درونی خودمان بپردازیم" و مانند اینها صحبت کرده اند. درست
است که يك گرایش لیبرالی می تواند در خصوصیات فوق الذکر باز-
تاب حاصل کند. ولی آیا عکس قضیه هم صحیح است؟ یعنی آیا
گرایشات دیگری مثلاً يك گرایش ارتجاعی نمی تواند این خصوصیات
را در برداشته باشد؟ آیا اگر حزبی با گرایشات ارتجاعی در کردستان
وجود داشته و در صدد رهبری مبارزات زحمتکشان این سرزمین
باشد، با "سازش طبقات" مخالفت کرده و از "مبارزه" طبقات
طرفداری خواهد کرد؟ آیا ملامصطفی بارزانی، فتودال مرتجع
طرفدار "تخفیف مبارزه" طبقات و "عده کردن مساله ملی"
در کردستان عراق نبود؟

ملاحظه میکنید که در این مورد نیز باید باز هم دست به
دامان "اعتقاد" رفقای فدائی شویم. یعنی چون آنها می گویند
"معتقدند" ما هم قبول کنیم که حزب دموکرات کردستان "يك
جریان دموکراتیک با گرایشات لیبرالیستی است".

رفقای فدائی اضافه میکنند که حزب دموکرات "متکی به اقشار
متوسط خلق کرد است" منظور چیست؟ آیا اینست که حزب
دموکرات از نظر سیاسی منافع طبقاتی اقشار متوسط خلق کرد
رأی نمایندگی میکند؟ اگر اینست باز هم متأسفانه باید به "اعتقاد"

رفقای فدائی متوسل شد، زیرا کوچکترین تحلیل، دلیل و شاهد
و یا حتی انعکاس از چنین وابستگی طبقاتی ارائه نداده اند. و سا
منظور اینست که ^{حزب} اقشار متوسط خلق کرد دارای پایگاه
اجتماعی است؟ بسیار خوب، اینرا بعنوان يك واقعیت میتوان و باید
(در همان حدود واقعی خود) پذیرفت . ولی در اینجا بلافاصله
باید در صد بررسی علل و توضیح این امر برآمد . حزب دموکرات
ات کردستان به دلیل عمده توانسته است بخشی از مردم کردستان
را به سمت خود جلب کند . یکی سوابق تاریخی و نقش آن در دوران
جمهوری مهاباد، و دیگر امکاناتی است که در لحظه حاضر
حزب دموکرات از لحاظ نظامی و مالی در اختیار دارد . این عامل
دم بویژه نقش مهمی ایفا میکند، زیرا در شرایط هجوم ارتجاع و
مبارزه شدیدی که در کردستان جریان یافته است مردم کردستان
خواهان مقاومت و مبارزه مسلحانه علیه مهاجمین هستند و حزب
دموکرات نیز سلاح و مهمات فراوان دارد . طبعاً در چنین شرایطی
و با توجه به عدم شناخت توده ها از ماهیت رهبری این حزب عمده
زیادی به سمت آن جلب خواهند شد . به همین دلیل بهتر و
صحیح تر است که هنگام بحث درباره حزب دموکرات بیشتر از
امکانات نظامی و مالی آن صحبت کنیم تا از "انکاه" "اقشار
متوسط خلق کرد" .

لیکن رفقای فدائی کاری به این موضوع ندارند . ایشان از متکی
بودن حزب دموکرات به "اقشار متوسط خلق کرد" تلویحاً
می خواهند این نتیجه را بگیرند که این حزب مرفق خلق است
و می بایست از آن حمایت کرد . ولی اگر داشتن پایه در میان
اقشار متوسط خلق دلیلی بر مرفق و خلقی بودن يك جریان
باشد پس لابد هیئت حاکمه کنونی ایران نیز که دارای پایه وسیع،
نه تنها در میان اقشار متوسط بلکه در میان بخش های مهمی
از حمتکشان و کارگران می باشد از خصلت مرفق و حتی انقلابی
برخوردار است؟! به همین ترتیب اگر صرف وجود پایه توده ای،

صرف نظر از خصلت و ماهیت يك جریان سیاسی، دلیلی کافی برای اتحاد با آن و حمایت از آن باشد، پس می بایست از سیاستهای هیئت حاکمه کونی ایران نیز چه در رابطه با مسائل داخلی و منجمله در رابطه با کردستان، و چه در رابطه با مسائل خارجی و منجمله گرایش آن به تجدید روابط گذشته با امپریالیسم پشتیبانی و حمایت کرد؟! (۶)

در مورد بخش آخر "اعتقاد" رفقای فدائی نیز وضع به همین منوال است: "ما معتقدیم که حزب دموکرات کردستان ... برای حل مسأله ملی در کردستان مبارزه میکند". "حل مسأله ملی" به نفع چه کسی و کدام نیرو؟ نیروهای کرد عراقی نیز سالیان دراز برای حل مسأله ملی مبارزه کردند. در این مبارزه، هم مارکسیست لنینیست های واعی کردستان عراق شرکت داشتند و هم دارو - دسته ملا مصطفی بارزانی. فقط يك فرق "كچك" بین آنها موجود بود. مارکسیست - لنینیست ها می خواستند "مسأله ملی" را در جهت منافع و حاکمیت زحمتکشان "حل کنند" در حالیکه ملا مصطفی بارزانی خواستار حل "مسأله ملی" در جهت حفظ امتیازات فئودالی خودش و دیگر فئودالهای کردستان عراق بود و میکوشید آنها نیز در جهت منافع اربابان خود، شاه و اسرائیل و امپریالیسم آمریکا "حل کند". اینک ما از رفقای فدائی سؤال میکنیم: حزب دموکرات کردستان خواستار "حل مسأله ملی" در کدام جهت و در خدمت منافع چه کسانی است؟ والبته میدانیم جوابی به ما نخواهند داد. تاکید بر اینکه "حزب دموکرات کردستان برای حل مسأله ملی در کردستان مبارزه میکند، بدون کوچکترین اشاره ای به مضمون و هدف این مبارزه، جز آن نیست که به خواننده القا شود که حزب دموکرات دارای خصلت مترقی و ملی بوده و حمایت از آن - حمایتی بدون پرنسیب - امری ضروری است. این نوع شیوه های الغاء نظریات بدون ارائه تحلیل مشخص، صحیح، علمی و مارکسیستی در مورد آنها که بنوعی فریب دادن خواننده

وگمراه نمودن وی می باشد، تا کون مختصر روزی نیستها ام از جها.
نی و وطنی بوده است . رفقای فدائی آیا بهتر نیست بگذاریم که
این شیوه ها همچنان در انحصار آنان باقی بماند؟
بحث اصلی در مورد حزب دموکرات کردستان بر سر چه
چیزی است؟

همانطور که ملاحظه کردیم تشبیهات رفقای فدائی به منظور مواجهه
جلوه دادن حمایت بدون قید و شرط آنها از حزب دموکرات
کردستان بیهوده و فاقد هرگونه پایه و اساس تحلیلی است.
اما اینها هنوز اصل مطلب نیست . در واقع آنچه تحت
عنوان "بورژوازی" بودن، "دموکراتیک" بودن، و "لیبرالیستی" بودن
حزب دموکرات کردستان از جانب رفقای فدائی به میان کشیده شده
تنها به منظور خلط مبحث و به بیراهه ^{کشاند} بحث صورت گرفته است زیرا
با عنوان کردن این مطالب خواننده اینطور استنباط میکند که گویا
ما مدعی آن بوده ایم که حزب دموکرات، "بورژوازی"، "دموکراتیک"
و "لیبرالیستی" نیست . در حالیکه بحث ابداً بر سر این مسائل
نبوده است . رفقای فدائی در مقاله خود می نویسند "برخورد
کمونیستها با حزب دموکرات باید بر پایه خط مشی و سیاست
آن حزب صورت گیرد و نه بر پایه مبارزه با "اپورتونیسیم" در رون
آن. مبارزه ایدئولوژیک با آنان نه بر پایه تصحیح انحراف آنان
از مارکسیسم - لنینیسم، بلکه برای توضیح ماهیت خرده بورژوازی
و دموکراتیسم غیر پرولتری حزب برای جنبش کمونیستی ایران است
(تاکید از فدائیان)

این مطالب برای چه کسانی نوشته شده است؟ روی سخن
رفقای فدائی با کیست؟ آیا اجازه میدهند سؤال کنیم که آیا
تنی که مدعی کمونیست بودن هستند اعلام کرده اند که "برخورد
کمونیستها با حزب دموکرات باید بر پایه مبارزه با "اپورتونیسیم" در
درون آن صورت گیرد"؟ بویژه از آنجا که مقاله در رد نظریات
کفرانس نوشته شده است آیا این حرف به معنای آن نیست که این

نقطه نظر از جانب کفرانس ارائه شده است؟ از این مضحکتر بند
دم نقل قول بالاست: "مبارزه ایدئولوژیک نه بر پایه تصحیح
انحراف آنان از مارکسیسم - لنینیسم بلکه . . ."

ما مصرانه از رفقای فدائی تقاضا داریم سند یا مدرکی را که بر
طبق آن کفرانس یا یکی از گروههای شرکت کننده در آن این
عقیده را ابراز کرده باشند که مبارزه ایدئولوژیک با حزب دموکرات
باید "بر پایه تصحیح انحراف آنان از مارکسیسم - لنینیسم" باشد
منتشر کنند و به اطلاع عموم برسانند. البته از همین حالا معلوم است
که به این تقاضای ما ترتیب اثر داده نخواهد شد. به این دلیل
ساده که هیچیک از نیروهای شرکت کننده در کفرانس تا کنون
چنین نظریه "ابلهانه‌ای" در مورد حزب دموکرات کردستان ابراز
نکرده است. راستی دلیل آنکه رفقای فدائی ترجیح میدهند در
بعضی موارد با اشباح پلمیک بحث وجدل کنند چیست؟ آیا به
جز خلط مبحث به جز خالی بودن چنته، به جز فرار و طفره از بحث
اصلی است؟

قبل از اینکه به بحث اصلی در مورد حزب دموکرات کردستان
بپردازیم بد نیست ببینیم که خود رفقای فدائی چه هدفی برای
مبارزه ایدئولوژیک با حزب دموکرات قائل شده اند.

"مبارزه ایدئولوژیک با آنان . . . برای

توضیح ماهیت خرده بورژوازی (!؟) دموکراتیسم

غیر پرولتری (!؟) حزب برای جنبش کمونیستی

ایران است" (تاکید از ماست)

تمام که بینش و نظرگاه غیرتوده ای رفقای فدائی در اینجا
بطرز بارز و برجسته ای بیرون زده است. مبارزه ایدئولوژیک
با حزب دموکرات کردستان نه برای آگاهی و شناخت توده های
خلق و ویژه زحمتکشان کردستان که بیش از همه در معرض
تبلیغات مسموم و عوامفریبی های این حزب قرار دارند، نسبت به
ماهیت این حزب بلکه فقط و فقط برای شناساندن آن به جنبش

کمونیستی ایران ضرورت دارد. (۷)

هرچه هست در درون جنبش کمونیستی است و توده های خلق
زره ای اهمیت و ارزش ندارند. مهم نیست که توده ها در نا آگاهی
به سر برند. زنده گان در آن بالاها هستند و آنها را هدایت
خواهند کرد و برای این منظور کافی است آگاهی و شناخت
" زنده گان " بالا رود.

لیکن حمایت بدون قید و شرط و بی پرزیب رفقای فدائیی
از حزب دموکرات که محض خالی نبودن عریضه به یک " مبارزه "
ایدئولوژیک " برای توضیح " ماهیت " آن برای " جنبش کمونیستی "
نیز زیور یافته است، در عین آنکه از بینش و دیدگاه غیر توده ای
ایشان نشأت می گیرد، ناشی از گرایشات پراگماتیستی (۸) و این
الوقتی موجود در درون سازمان فدائیان هست استعمال
واژه هایی نظیر " دموکراتیک "، " لیبرالیستی "، " ماهیت خرد بورژوازی-
وایی " و " اکتفا " کردن به اینها به منظور خصلت نمایان حزب
دموکرات همانا طفره رفتن از توجه به خصلت دیگر حزب دموکرات
یعنی وابستگی آن (یا بهتر بگوئیم به وابستگی رهبری آن) و بیشتر
به نان قرض دادن و تعارفات دیپلماتیکی که مقتضیات روز ایجاب
میکند می ماند تا به ارائه یک تحلیل مشخص و همه جانبه در مورد
این حزب رفقای فدائی از یکسویورش وسیع نظامی علیه خلق
کردستان را مشاهده میکنند. لیکن در سوی مقابل، در جبهه
مقاومت علیه این یورش توجهشان بسمت توده های خلق و نیروی
لایزال آنها جلب نشده بلکه زرق و برق سلاحها و وسائل جنگی
حزب دموکرات و از ورای این حزب، پتانسیل عظیم مالی و نظامی
اتحاد شوروی چشمان آنها را خیره کرده است. و از آنجا که از
لحاظ ایدئولوژیکی فاقد انسجام و استحکام لازم هستند، در جا
در مقابل حزب دموکرات لنگ می اندازند و تمام قد در مقابل
آن به تعظیم می ایستند. از آنهم بیشتر، جبهه سائی در مقابل
حزب دموکرات و از ورای آن در مقابل اتحاد شوروی را معیار

مترقی بودن یا " ارتجاعی " بودن سایر نیروها قرار میدهند و فحش و ناسزا نثار کسانی میکنند که روی نقاط ضعف و بویژه وابستگی حزب دموکرات انگشت میگذارد .

ولی رفقای عزیز، مسأله مورد بحث همین وابستگی حزب دموکرات کردستان است . این مسأله است که دریانیه کفرانس مورد تأکید قرار گرفته و نه هیچ چیز دیگری . شما چندین ستون از نشریه کار را به انتقاد از موضع کفرانس در رابطه با حزب دموکرات اختصاص داده اید بدون اینکه کوچکترین پاسخی در مقابل این موضع ارائه دهید . در عرض تا دلتان بخواهد در مورد " عمده " بودن یا نبودن تضاد موجود با این حزب ، دموکراتیک بودن ، " لیبرالیستی " بودن ، " بورژوازی " بودن و در عین حال ماهیت خرده بورژوازی داشتن ؟! و نظایر آنها قلمفرسایی کرده و بدینسان از برخورد و پاسخ به مسأله وابستگی حزب دموکرات شانه خالی کرده اید .

ما گفته ایم و باز هم تکرار می کنیم که مشخصه بارز حزب دموکرات کردستان وابستگی رهبری آن نسبت به شوروی و تا حدی به حزب و دولت بعثی عراق است .

زیرا مواضع و سیاست های حزب دموکرات در چند ماه اخیر و سابقه تاریخی رهبری آن آشکارا مؤید وابستگی رهبران آن به سوسیال امپریالیسم شوروی می باشد . وانگهی تاریخ سالهای اخیر نشان داده است که جریانهای سیاسی که بوسیله خرده بورژوازی و روشنفکران بورژوازی هدایت می شوند به سبب اعتقادات ایدئولوژیکیشان در مبارزه علیه امپریالیسم و طبقات وابسته بدان و برای رسیدن به قدرت یا تثبیت موضع خود، اجباراً به سمت شوروی گرایش پیدا کرده و نزدیکی و همکاری گسترده ای را با دادن امتیازات زیاد با آن آغاز میکند . از آنجا که این همکاری عموماً از موضع ضعف و نیازمندی بوده و در رابطه با نیروی است که سیاست و منافع امپریالیستی دارد، نتیجه آن چیزی به جز وابستگی

نخواهد بود .

بعلاوه اکثریت رهبران حزب دموکرات کسانی هستند که سالیان دراز به دور از رنجها و مبارزات خلق ستمدیده کرده در کشورهای اروپایی شرقی و غربی بسر برده گاه نیز در عراق و در خدمت دولت فاشیستی این کشور بوده اند . اینها اکنون که دری به تخته ای خورده و مبارزه و قیام قهرمانانه خلعهای ایران رژیم دیکتاتوری پهلوی را سرنگون ساخته است شتابان راهی کشور شده و در ظاهر برای ادامه مبارزه (!؟) لیکن در واقع برای سهم شدن در قدرت کسب امتیازات در جهت منافع خود و برای شوروی و عراق به تکاپو افتاده اند و دم و دستگاه حزب دموکرات کردستان را از نو علم کرده اند .

در مقابل این دعاوی رفقای فدائی چه دارند بگویند؟ آیا میتوان تصور کرد که ایشان نسبت به این مسائل که از روز هم روشن تر است اطلاع و آگاهی ندارند؟ خیر، آنها خیلی خوب میدانند با چه کسانی سروکار دارند و حزب دموکرات چه نقشی در رابطه با منافع شوروی در کردستان بعهده دارد . رفقای فدائی اعلام میکنند که یکی از نیروهای شرکت کننده در "شورای هماهنگی" کردستان هستند . کاری نداریم که چنین شورایی تشکیل نشده و اعلام تشکیل آن، صاف و پوست کنده دروغ است . ولی این امر مسجل است که رفقای فدائی در جریان تماسها، نشست ها و مذاکرات میان گروههای مختلف بوده و یکی از شرکت کنندگان اصلی آن بوده اند . بنابراین از کلیه عکس العمل ها و حرکات حزب دموکرات در رابطه با مسائل گوناگون بخوبی مطلعند .

ما از رفقای فدائی میخواهیم آشکارا و صریح اعلام کنند این واقعیت را که حزب دموکرات از پذیرش اصل عدم مذاکره جداگانیه با دولت مرکزی (بدون شرکت سایر نیروها از طریق "شورای هماهنگی") لجوجانه سرپا میزند، چگونه تعبیر و تفسیر میکنند . آیا به

نظر رفقای فدائی علت عدم پذیرش این اصل از جانب حزب دموکرات آن نیست که در آینده بتواند در صورت لزوم به اشاره^۱ شوروی با دولت از در سازش درآمد و منافع خلق کرد را وجه المصلحه^۲ امتیازاتی کند که شوروی حریصانه در صد بدست آوردن آن است؟ اگر نیست پس چیست؟

رفقای فدائی توضیح دهند که چرا حزب دموکرات به هیچ عنوان حاضر نشده است زیر بار پذیرش این اصل برود که کمک‌ها بی که به خلق کرد میشود باید بدون قید و شرط بوده و به اصل "اتکا" به خود^۳ صدمه نزنند؟ و چرا در همان حال اصرار دارد که شوروی به عنوان دوست خلق کرد از طرف کلیه نیروها به رسمیت شناخته شده و همکاری با آن روز بروز بیشتر تقویت گردد؟ اگر این سیاست، سیاست وابسته کردن جنبش خلق کرد به شوروی نیست پس چیست؟

از اینها گذشته چرا حزب دموکرات حتی از محکم کردن ملا مصطفی بارزانی بعنوان عامل سرسپرده شاه، اسرائیل و امپریالیسم آمریکا خودداری میکند؟ و چرا حاضر نیست در مورد رژیم های ارتجاعی و اهرم های امپریالیسم در منطقه بطور مشخص افشاگری نماید؟

رفقای فدائی خود بهتر از هر کس دیگری به کلیه این مسائل واقفند. پس علت آنکه از موضع گیری علیه حزب دموکرات طفره رفته و مسائل کاذب را بطور مصنوعی بعیان میکشند و به پلمیک و مجادله با اشباح می پردازند چیست؟ بهترین است این شیوه ها را نیز بگذاریم در انحصار شیادان کارگشته و شارلاتانهای سیاسی یعنی همان روزنویسهای حزب توده و امثالهم باقی بماند؟

سیاست معاشات جوانه رفقای فدائی نسبت به احزاب وابسته به شوروی و حاد کردن مصنوعی اختلافاتی که با مارکسیست لنینیست های واقعی و انقلابی دارند را به هیچ چیز نمی توان تعبیر کرد مگر به توهم و وسوسه^۴ بهرمنند شدن از امکانات

اتحاد شوروی و استفاده از این امکانات در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم • این توهم که منجزه اتخاذ يك سیاست ماشاات جوانه و سازشکارانه در قبال شوروی و نیروهای وابسته به آن میگردد نشانی از عدم درک ماهیت دولت شوروی از جانب رفقای فدائیس و به معنای دیده فروستن به حرکات و سیاست های سلطه جوانه و تجاوزکارانه این ابرقدرت امپریالیستی می باشد •

ما به رفقای فدائی هشدار میدهم که دست از این خوش باوری و ساده لوحی سیاسی بردارند و این خیال خام را در سر نیرووراندند که گویا ممکن است اتحاد شوروی بدون هیچگونه چشم داشت و مقاصد سلطه جوانه حاضر شود امکانات خود را در اختیار ایشان قرار دهد • امروز رفقای فدائی برای آنکه مبادا اتحاد شوروی را از خود برنجانند و راه هرگونه نزدیکی و تفاهم آتسی را مسدود کنند، نه تنها از افشای آن و احزاب وابسته به آن اکراه دارند، نه تنها در برخورد به اصطلاح دیپلوماتیک خود، دفاع سرسختانه از معیارهای ایدئولوژیک لنینی و منجمله یکی از اساسی ترین آنها یعنی اصل "اتکا" به نیروی خود را به کار نهاده و تخطی از آنرا سرسری گرفته و مجاز می شمردند، بلکه به آرایش اتحاد شوروی همت گمارده و حتی برای بدست آوردن دل آن از حمله و تخطئه انقلابیون واقعی نیز فروگذاری نمی کنند • اگر این راه ادامه یابد، فردا بر سر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران چه خواهد آمد ؟

برای اینکه متهم به خیالبافی و سوداگری نشویم کفایت به چند مورد که در همین مقاله آمده است اشاره کنیم •

"کنفرانس چی ها در اینجا تنها مشت خود را در زمینه هم صدائی با ارتجاع حاکم رونکرده اند دیدگاه و درکی که ارائه داده اند به غایت بورژوازی و غیرپرولتری است • کجای فرهنگ مارکسیستی برای

حمله به يك جریان آنرا " وابسته به
بیگانه معرفی میکند "

بدین ترتیب رفقای فدائی نه تنها وابستگی راشایسته حزب
دموکرات نمی دانند (که به این مسأله اصولاً برخورد نکرده اند)
بلکه از بیخ و بن منکر وجود جریانهای سیاسی وابسته به کشورهای
دیگر میگردند و آنها را بنام " فرهنگ مارکسیستی " بنا بر این مطلب
برسررد اتهام وابستگی حزب دموکرات نیست بلکه اساساً مفهوم
وابستگی به زعم ایشان غیر مارکسیستی است . یعنی مثلاً حزب
توده را هم بعنوان يك نیروی سیاسی وابسته نمی توان ارزیابی کرد
(شاید رژیم شاه هم وابسته نبود !!) چه کسی بهتر و بیشتر از رفقای
فدائی به تطهیر و آرایش حزب توده پرداخته است ؟ شاید همان
عواملی که حزب توده ، دموکرات و سایر احزاب بورژوازی را به وابستگی
مبتلا کرده یعنی انتظار پیروزی سریع استفاده از امکانات و یس
زرق و برق تسلیحات و تجهیزات مدرن نظامی ، رفقای فدائی
را هم به وسوسه کشانده و مواضع و پرنسیب های گذشته را از یادشان
برده است .

در دنباله مطلب چنین می خوا نیم :

" ببینید چقدر روتا کجا آشکارا انترناسیونا -
لیسم پرولتاریایی برپا داشته است
کنفرانس چس های ما فراموش کردند کسی
هستند و از چه کسی دفاع میکنند ؟ برای
آنان که واقعاً در راه آزادی طبقه کارگر
می رزمند بیگانگان و وابستگی به بیگانه تنها
واژه هایی است که بورژوازی برای تحمیق
پرولتاریا و ماستمالی کردن خط
ومرز طبقات به کار می برند . شعار
مارکسیست های واقعی این است : " پرو -
لتاریای سراسر جهان متحد شوید "

"انترناسیونالیسم پرولتاریایی"؟! از کدام "انترناسیونالیسم
 پرولتاریایی" رفقای فدائی صحبت میکنند؟ صحبت از "انترناسیونال
 لیسم پرولتاریایی" در جائیکه بحث بر سر رویداد های کردستان
 و موضع گیری کنفرانس در رابطه با این رویداد ها و حزب دموکرات
 است چه محلی از اعراب دارد؟ در نگاه اول به نظر میرسد که
 آوردن این مفهوم بدون رابطه بوده و نویسنده فقط برای فضل
 فروشی آنرا عنوان کرده است. ولی هیسات که چنین نیست و
 انحراف بسیار عمیقتر از صفات فضل فروشانه نویسنده است. این
 عبارت تبلور آشکار انحراف عمیق نویسنده و جبهه سایی وی در
 برابر روزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی می باشد. آیا بغیر
 از اینست که نویسنده این فکر را القا میکند که گویا سیاست
 خارجی دولت شوروی بر اساس انترناسیونالیسم پرولتاریایی مبتنی
 است؟ آیا آوردن ناشیانه شعار "پرولتاریای سراسر جهان
 متحد شوید" به این معنی نیست که تحقق این شعار را شعار
 رابطه دولت شوروی با حزب دمکرات کردستان ارزیابی میکنید؟
 مگر حزب توده هم مناسبات خود را با احزاب روزیونیست جهان
 و در راس آنها حزب روزیونیست شوروی با تشبث به شعار
 "انترناسیونالیسم پرولتاریایی" توجیه نمی کند؟ و مگر اکنون شما
 همان حرفهای کیانوری ها را طوطی وار تکرار نمی کنید؟ آیا
 شما با تکرار این خزعبلات آشکارا خود را با زیچه دست کیانوری
 و شرکا نکرده اید؟ لیکن نویسنده برای منحرف کردن ذهن
 خواننده وانموده کرده است که گویا مخالفت کنفرانس نسبت به
 وابستگی حزب دموکرات از موضع بورژوایی است. حال آنکه
 کنفرانس نه از یک زاویه شونیستی و تنگ نظرانه بلکه بعکس از
 دیدگاه مارکسیستی و با توجه به اصل "اتکا" به نیروی خود در
 انقلابی و حفظ استقلال سیاسی جنبش نسبت به وابستگی موضع
 مخالف میگیرد.

شما از طرفی معتقدید که حزب

حاکم در شوروی يك حزب رونیونیستی است و از طرف دیگر بطور غیرمستقیم کوشیده اید سیاست خارجی آنرا مبتنی برانترناسیونالیزم پرولتاریایی قلمداد کنید . ما حل این معما را که چگونه يك حزب رونیونیستی (که با مارکسیسم - لنینیسم ضدیستی آشتی ناپذیر دارد) می تواند پیروانترناسیونالیسم پرولتاریایی باشد، چگونه دولتی که سالهاست تحت رهبری يك حزب رونیونیستی است می تواند دولتی سوسیالیستی باشد، میگذاریم به عهده خود رفقای فدائی . اما صرفنظر از این ژولیده فکری وعدم شناخت و درک از ماهیت رونیونیسم آیا این امر حاکی از آن نیست که مرزندی رفقای فدائی با رونیونیسم يك مرزندی توخالی و عاری از هرگونه محتوای طبقاتی بوده و يك عبارت پردازی بیچ و تزییناتی پیش نیست؟ خلاصی رفقای فدائی از این تناقض لاینحل مادام که ایشان به دود و زه بازی کردن و نشستن در بین دو صندلی ادامه می دهند امری است نامیسر . تنها با يك مرزندی ریشه ای و پیگیرانه علیه رونیونیسم مدرن و سوسیال امپریالیسم و طرد کامل رونیونیستهای جهانی و وطنی است که رفقای فدائی خواهند توانست مقامی را که درصفاً انقلابیون واقعی از آن ایشان است بازابند . ماستمالی کردن مسأله وابستگی حزب دموکرات کردستان به شوروی، تطهیر و تزئین اتحاد شوروی، منحرف ساختن پیکان حملات بسوی کسانی که ماهیست ضد پرولتری و سیاست سلطه جویانه آنرا برملا میکنند چگونه میتواند تفسیر شود؟ مشکل بتوان کلمه دیگری بجز چشمک زدن برای آن یافت .

رفقای فدائی تا کون همواره از اصل عدم وابستگی و عدم دنباله روی از قطب های جهانی دفاع و روی آن تاکید می کرده اند . تا آنجا که تا چند ماه پیش یکی از ضوابط وحدت نیروهای مارکسیست - لنینیست را عدم وابستگی عنوان میکردند . لیکن از آنجا که هیچگاه مفهوم عدم وابستگی را بدرستی و عمیقاً درک

نموده اند به تبلیغ موضع سانترالیستی در اختلافات ایدئولوژیکس
اساسی درون جنبش کمونیستی جهانی و در مبارزه* عظیم بین
مارکسیسم - لنینیسم انقلابی از یکسو و روزیونیسم مدرن از سوی
دیگر می پردازند (۶) . از آنجا که این موضع سانترالیستی، ضرورتاً
با عدم مرزبندی قاطع علیه روزیونیسم مدرن همراه بوده است
جریانهای سانترالیست و منجمله سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیوسته در معرض بادهای مسموم روزیونیسم خروشچنی و تبلیغات
گمراه کننده حزب توده قرار داشته و فاقد سلاح شوریک و ایدئولوژی
ژیک نیرومند جهت مبارزه با اثرات سوء این بادهای مسموم
تبلیغات گمراه کننده بوده اند .

ایشان ضمن تکرار اراجیف حزب توده مبنی بر اینکه سوسیال
امپریالیسم افسانه ای بیش نیست که از طرف محافل " ارتجاعی"
عنوان شده است می نویسند:

" موضع گیری کنفرانس چن ها صریح ترین
و بارزترین نمود ارتجاعی است که در مس
تزانجرائی و مرتجعانه سوسیال
امپریالیسم نهفته است "

بدین ترتیب رفقای فدائی می گویند موضع گیری کنفرانس علیه
حزب دمکرات کردستان را با زتاب و نتیجه* اعتقاد آن به سوسیال
امپریالیستی بودن شوروی قلمداد کنند و با جدا کردن این
موضع گیری از کل برخورد کنفرانس نسبت به مسائل کردستان، مواضع
با را با مواضع سوسیال فالانترهای سه جهانی مخدوش نمایند
ایشان سعی میکنند با الفا* این فکر که اعتقاد به تز سوسیال
امپریالیسم معادل با " همصد شدن با ارتجاعی ترین محافل
هیئت حاکمه " و معادل با همصد شدن با سوسیال فالانترهاست
از فکر کردن درباره* این تز شوریک جلوگیری بعمل آورند و از طریق
مرعوب کردن خواننده وی را به هر سو که می خواهند بکشانند (۱۰)
البته بنظر ما شایسته رفقای فدائی نیست که از روشهای روزیونیسم

نیست‌های کهنه کار در مبارزه اید ثلوثیک تقلید کنند .
 سازمانی که بیش از هر نیروی دیگری سنگ استقلال و عدم
 وابستگی را به سینه می زند، و هنوز هم می زند، کمتر از هر کس
 دیگری نسبت به احزاب و گروه‌های روزیونیست وابسته به شوروی از
 خود نشان میدهد و حتی سعی در برده پوشی و بزرگ کردن احزاب مزبور به
 عمل می‌آورد در همین رابطه است که ملاحظه میکنیم همان جایی که
 کفرانس را به اتخاذ " موضع ارتجاعی " متهم میسازد از موضع
 سازشکارانه حزب توده صحبت به میان آمده و بدین ترتیب این
 کارگزاران سابقه شوروی و خائنین به خلق و طبقه کارگر نیز تحت
 عنوان " سازشکار "، " لیبرالهای مدعی مارکسیسم "، " دنباله روان
 جریان های بورژوازی و خرده بورژوازی " تطهیر و آرایش شده اند .
 می نویسند: " نوسانات موجود در حرکت حزب توده ناشی
 از فرصت طلبی سیاست بازانه (؟) توده ای هایی است که نان را به
 نرخ روز می خورند و اسمش را (" باتجریگی " و " پختگی " میگذارند
 از این نظر حزب توده " ایران حزبی " که استخوان بند می آید
 انجمن مقاطعه کاران خبره تشکیل میدهد دارای هویت ثابت
 و جا افتاده است . لذا در هر مورد خاص در آینده دراز مدت از
 قبل میتوان دریافت که مبنا و محور حرکت توده ای ها همان
 سیاست لیبرالی است "

خیال میکنید این انتقاد آبی باعث خوشحالی زائد الوصف
 روزیونیستهای حزب توده نمی شود؟ آیا به خاطر همین القاب:
 " فرصت طلبی سیاست بازانه "، " نان را به نرخ روز " خوردن،
 " انجمن مقاطعه کاران خبره "، " سیاست لیبرالی " و ... به
 خاطر سکوت در مورد اساسی ترین و مهم ترین خصوصیت مشخصه
 حزب توده یعنی سرسپردگی و کارگزاری سوسیال امپریالیسم
 شوروی نبود که کیانوری مرتد و خائن در کفرانس مطبوعاتی اخیر
 خود بدون آنکه ذره ای کدورت و ناراحتی از خود نشان دهد
 به تجسین و تمجید از سازمان چریکهای فدائی خلق پرداخت

و آنان را مکلفانه مورد نوازش قرار داد ؟

بدین ترتیب در شرایطی که حزب توده، حزب دمکرات و سوسیال امپریالیسم شوروی حضور سیاسی خوش را در عرصه سیاست ایران تثبیت کرده و روز به روز خطرات عظیم بالقوه آنها بیشتر حالت بالفعل به خود میگیرد و بطور جدی آینده جنبش انقلابی میهن ما را در معرض تهدید قرار میدهد رفقای فدائی می نویسند "حزب توده ۰۰۰ طی یک مبارزه ایدئولوژیک طولانی و در جریان عمل مبارزاتی خود کاملاً افشا شده است"

طی کدام مبارزه ایدئولوژیک مردم را فریب ندهید . علیه حزب توده تا کون هیچ مبارزه ایدئولوژیک جدی و پیگیرانه ای از جانب جنبش مارکسیست - لنینیست انجام نشده است و در آن مقدار کمی هم که صورت گرفته سهم شما بسیار ناچیز و اساساً فاقد هرگونه اثری مثبت در جهت مقابله با روزیونیسم خرروشچفستی بوده است . حزب توده به هیچ وجه "کاملاً" افشا نشده است نه تنها برای توده ها بلکه حتی برای بسیاری از فعالین جنبش و منجمله خود شما .

آیا بخش منشعب از سازمان چریکهای فدائی خلق که به حزب توده پیوست به این خاطر بود که "حزب توده طی یک مبارزه ایدئولوژیک ۰۰۰ کاملاً افشا شده بود؟ وانگهی از هنگام این انشعاب تا کون شما کدام برخورد جدی و همه جانبه را نسبت به آن انجام داده و به چه جمعبندی هایی رسیده اید؟ علل آنرا چه چیزهایی تشخیص دادید و در رفع این علل چه کوششهایی به خرج دادید؟ هیچ بله هیچ .

بسیار خوب، با این تفصیل آیا یک آدم عاقل باید تعجب کند که شما به اسارت ایدئولوژیک روزیونیسم درآمده و در عمل به مدافعین دواآتشه آنها تبدیل شود؟ و آیا آدم های عاقل در آینده ای نه چندان دور سرنوشت تیره تری را - چنانچه بخود نیائید و به مارکسیسم - لنینیسم انقلابی مجهز نشود - لااقل برای بخش دیگری از سازمان شما پیش بینی نمی کنند؟

حزب دمکرات کردستان ایران حزبی بورژوازی بوده و دارای
خصلت وابستگی به نیروهای خارجی و در درجه نخست وابسته به
اتحاد شوروی است . این حزب که از بدو تجدید فعالیت
همواره سیاست سازش و زد و بند با ارتجاع محلی (۱۱) و ارتجاع
حاکم را در پیش گرفته بود در اثر پورش ارتجاع حاکم و جنگی که به
خلق کرد تحمیل شد ناچار از درستیز با آن وارد شد
لیکن به محض آنکه شرایط برای مصالحه و زد و بند از نو فراهم
شود اسلحه را بکناری نهاده و در راه کسب امتیازات و منافع
چه برای خود و چه برای نیروهائی که به آنها وابسته است
از قربانی کردن و ذبح شرعی جنبش خلق کرد کوچکترین باکی به
دل راه نخواهد داد .

متأسفانه بینش غیر توده ای برخورد غیر طبقاتی سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران و سیاست پراگماتیستی این سازمان
در رابطه با رویدادهای مختلف آنرا در مسیری بس انحرفانی و پیر
خطر سوق داده که سرانجامی جز بر باد دادن و پایمال کردن
دستاورد ها و افتخارات این سازمان و تضعیف جنبش انقلابی
خلق ایران در بر نخواهد داشت . هم اکنون جوانه های
از این گرایشات خطرناک در سازمان بچشم خورده و به شکل سر
فرود آوردن و تکریم در مقابل " هیبت " و " صلابت " سوسیال
امپریالیسم شوروی، مماشات با احزاب و دارودسته های وابسته
به آن و حمله و تشدید تصنعی اختلافات با بخشی از جنبش
مارکسیست - لنینیستی ایران بازتاب پیدا کرده است . امروز
این گرایشات از همان ابتدا تاثیرات مذموم خود را در شیوه های
کار تبلیغی و فعالیت سیاسی و مبارزه ایدئولوژیک نشان داده
است . تحریف، قلب واقعیت، القاء نظریات بدون روشنگری
و ارائه تحلیل، تقویت گرایشات برخورد از بالا و ... نمونه هایی

از این تاثیرات هستند که در این نوشته مختصراً بدانها اشاره شد .

در خاتمه یکبار دیگر از رفقا دعوت میکنیم، در برابر نفوذ پادشاهی مسموم روزنیونیسمدرن که در اوضاع و احوال کنونی در شرایط فقر شوریک و عدم انسجام ایدئولوژیک جنبش مارکسیستی لنینیستی انقلابی توسط ("توده ای" های حرفه ای و کارکنان ساخته و پرداخته شده و در فضای سیاسی مشتت امروز ایران پراکنده میشود، هشیاری خود را در اوچندان نموده و از طریق یک مبارزه "ایدئولوژیک سالم و لنینی" کوشش کنند هم بر انحرافات غیر پرولتری خود و هم بر انحرافات غیر پرولتری سایر نیروهای درون جنبش کمونیستی و منجمله ما فائق آیند .

پیش سوی طرد نیروهای وابسته
زنده باد وحدت اصولی م. ل. های واقعی

توضیحات

۱- در جزوه حاضر اگر چه روی سخن ما با "سازمان چریکهای فدائی خلق" است زیرا مقاله های مزبور در ارگان سیاسی سازمان درج شده است لیکن با توجه به آنکه نظرات ارائه شده در این مقالات کاملاً آغشته به نقطه نظرهای روزیونیستی است و آنرا نشان خواهیم داد، معتقدیم که این مقالات نتیجه تراوشات یکی از جریانهای فکری موجود در سازمان مزبور می باشد که همسایگی زیادی با روزیونیسیم دارد و تاکنون تاثیر زیادی بر طرح نظرات سازمان گذارده است.

۲- برخورد های غیر صادقانه رفقای فدائی محدود به تحریف موارد فوق نمیشود. ایشان حتی بطرزی ناشیانه دست به تحریک و نفاق افکنی میان نیروهای شرکت کننده در کنفرانس زده اند از آنجمله است ادعای جلوگیری از پخش اعلامیه کنفرانس درباره کردستان توسط یکی از نیروهای شرکت کننده در آن.

برای نشان دادن بهره برداری های تحریف آمیز رفقای فدائی از این اعلامیه، برغم انتقادهایی که خود بدان وارد میدانیم و در این جزوه منعکس است اقدام به چاپ مجدد آن به ضمیمه این جزوه می نمائیم.

۳- بین تاریخ تهیه بیانیه و تاریخ انتشار آن دو هفته فاصله بود که عمدتاً ناشی از باره ای بی نظمی ها و نابسامانیها مبتلا به کنفرانس می باشد.

۴- برای مطالعه بیشتر در این زمینه می توانید به جزوه "نقدی بر بیانیه سازمان چریکهای فدائی خلق در مورد کردستان" شهریور ۵۸ که توسط "رزمندگان آزادی طبقه کارگر" منتشر شده است رجوع نمائید.

۵- منظور رفقا "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" است صرف نظر از آنکه استعمال عبارات خود ساخته ای نظیر

"جمعیت زحمتکشان کرد" چه دلیلی جز کوچک و بی اهمیت کردن نقش این سازمان می تواند داشته باشد. ما بسیار مایلیم رفقای فدائی نمونه هایی از "حمایت" خود را از این سازمان نشان دهند. شاید نمونه ای که در همان نشریه "کار" شماره ۳۲ آمده است به اندازه کافی گویا باشد. در این نشریه رفقای فدائی ضمن گرامیداشت یاد رفیق شهید فواد سلطانی و یاد آوری شخصیت و خصائل انقلابی وی، حمایت خود را به نحو احسن انجام میدهند. فقط (!) فراموش میکنند سازمانی را که این رفیق متعلق به آن بوده و در کادر رهبری آن قرار داشت نام ببرند. رفقا با وجود آنکه بطور ^{توضیح} متناقض مواضع طبقاتی و حرکت سیاسی حزب دموکرات را مطرح میکنند از این لحاظ کوچکترین اشاره ای به "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان" نمی نمایند زیرا بخوبی میدانند که اشاره به مواضع حرکت های سیاسی و پایگاه توده ای "سازمان انقلابی زحمتکشان" آنان را مجبور خواهد ساخت که حسابهای کاسبکارانه را بکناری افکند و قبل از نزدیکی به نیرویی که به قول خودشان "لیبرال"، "بورژوا" و "است" به سازمان مزبور که در جنبش مارکسیست - لنینیست قرار دارد نزدیک شوند. حال آنکه سازمان فدائی در عمل در این جهت حرکت نکرده و عمدتاً همکاری با حزب دموکرات را ترجیح داده است.

۱- اتکای طبقاتی خاص یک جریان سیاسی مترادف ماهیت طبقاتی آن جریان نمی باشد. ماهیت طبقاتی یک جریان نه تنها به پایه طبقاتی آن، بلکه و بویژه به ایدئولوژی، سیاست و عملکرد، ترکیب سازمانی و بالاخره اینکه نمایندگی و حافظ منافع کدام طبقه است مربوط می باشد.

۲- شاید معصیت کبیره ای که کنفرانس مرتکب شده موضع گیری علنی و افشای ماهیت حزب دموکرات کردستان در پیشگاه توده های مردم بوده است و چنانچه این موضع گیری فقط در

بحث های درگوشی و مذاکرات خصوصی انجام شده بود، اینقدر
 موجب دلخوری و عصبانیت رفقای فدائی نمیشد؟
 ۸- رفقای فدائی پدیده ها را نه در پروسه تکاملی آنها بلکه
 در مقطع و بدون توجه به پیشینه و آینده آنها مورد ارزیابی
 قرار میدهند به همین جهت است که در حال حاضر چون حزب
 دموکرات بطور مسلحانه رودرروی رژیم قرار گرفته است بدون آنکه از
 خود سؤال کنند حرکت این حزب باتوجه به ماهیت آن در آینده
 چه خواهد بود هرگونه مرزبندی و افشا، آن را که درست در رابطه
 با همین چشم انداز است مورد لعن و نفرین قرار میدهند. مقطعی
 دیدن پدیده ها بجای پروسه ای دیدن آنها منجر به یک
 سیاست پراگماتیستی از جانب رفقای فدائی میگردد که نمونه های
 آنرا تا کنون چه در رابطه با رهبری جنبش قبل از قیام و چه در
 رابطه با دولت دیده ایم.

۹- سازمان چریکهای فدائی خلق، از نقطه نظر مواضع
 بین المللی، سیری قهقرائی از آغاز بنیان گذاری سازمان تا کنون
 طی کرده است. موضع سائترالیستی و معاشات جوانه سازمان
 فدائی در مقایسه با موضع قاطع و آشتی ناپذیر بنیان گذاران این
 سازمان (رفقا احمدزاده، نابدل ۰۰۰) نسبت به شوروی و رونی-
 یونیسف مدرن گام عظیمی به عقب محسوب میشود.

۱۰- هرکس کوچکترین آشنایی با مواضع جریانهای سیاسی
 موجود داشته باشد، به روشنی وسادگی تفاوت اساسی موضع
 کنفرانس وحدت را با جریانهای سوسیال فالانتر (سوسیالیست
 درگهتار و فالانترست در کردار) درمی یابد اینان که همان
 فرزندان خلف حزب توده هستند و در دوره رژیم شاه با خیانت
 بسیاری از رهبران آن ضربات بسیار مهمی به جنبش وارد آوردند
 و از کرشمه برای رژیم شاه کوتاهی نکردند، پس از سقوط رژیم، به
 بهانه مبارزه علیه دوا بر قدرت تماماً به دامان ارتجاع سقوط کردند
 و به چماق دست چپ رژیم مبدل گردیدند. مبارزه این دا رو-

دسته جدید تنها به تائید مواضع ارتجاعی رژیم علیه خلق کرد
اعلام آمادگی برای شرکت در قتل عام آنان، تعریف و تمجید
از کشتارها و مبارزات آنها، کردستان توسط پاسداران و ارتش
جمهوری اسلامی و نیز چاپلوسی و جبهه سائی در مقابل
جنایتکارانی چون چمران و معرفی وی بعنوان "فرزند قهرمان
خلق" و غیره محدود نمی گردد. بلکه این دارودسته ارتجاعی
در تمام زمینه ها و از جمله در رابطه با تمهیدات و توطئه های
ضد کارگری، ضد دموکراتیک رژیم نیز شرکت فعال دارند.

رفقای فدائی بی جهت تلاش دارند تا مواضع اصولی کفرانسی
را با مواضع ارتجاعی این دارودسته خود فروخته، که اصولاً
در موضع اپوزسیون قرار ندارند مشابه قلمداد کنند.

۱۱- از جمله رجوع کنید به اعلامیه شماره ۱۱ حزب
دموکرات که در آن، دهقانان را از مبارزه علیه فئودالهای محلی
دوراء کسب حقوقشان باز میدارد و آنان را به آشتی و تسلیم در
مقابل فئودالها تشویق میکند.

* * * *

ضمیمه

متن اعلامیه کفرانس وحدت با تیتراژ "بیاری کردستان پرچمدار
مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران بشتابید" که
"جریکهای فدائی خلق" از آن نام برده اند در صفحه بعد آورده
شده است.

مردم دلاور و آزادیخواه کردستان را بیشک باید پرچمدار مبارزات دموکراتیک و استقلال طلبانه خلقهای ایران دانست. هیچ يك از خلقهای ایران به اندازه این خلق دلاور با رستم و زور و ظلم ارتجاع را بردوش نکشیده و هدف توطئه های رنگارنگ امپریالیستی نبوده است و هیچیک از خلقهای ایران چون این خلق در مقابل این همه ظلم و ستم و توطئه از خود رشادت، پایداری، مقاومت و مبارزه نشان نداده است. درود بر خلق دلاور کرد

در آستانه "بهار آزادی" هفت سین این خلق با خون صدها پیرو جوان سنندجی گلگون شد و اولین توطئه جنایتکارانه، ارتجاع با یورش به مردم بی سلاح سنندج و کشتار آنان آغاز گشت و از آن پس هفته و ماهی نمیگذرد که شاهد توطئه و دسیسه ای جدید بر علیه این خلق نباشیم. در نرده جنگ برادر کشی برآید اختتام و صدها نفر به قتل رسانیدند. در ارومیه دهقانان کرد را به زور سرنیزه از دهات بیرون کرده و آواره بیابان ها ساختند. و بالاخره در مریموان مردم يك شهر را مجبور به ترك خانه و کاشانه خود کرده و تانک و زره پوش به جنگ آنها فرستادند. از اینها گذشته هر روز در گوشه و کنار این منطقه شاهد گردنکشی و تجاوزات فئودالها و خوانین و جنابات مزدوران "قیاد موقت" بر علیه دهقانان و مردم زحمتکش و آزادیخواه کردستان هستیم.

در کردستان چه میگذرد؟ چه رمز و سحری در کار کردستان است که بیش از هر جای دیگری اخبار کشور را بخود اختصاص میدهد و همه توجهات را بخود جلب میکند؟

اگر به تبلیغات مزورانه "دولت موقت" در ایالتولوزیونش گوش دهیم بما خواهند گفت که عده ای میخواهند کردستان را از سام میهن جدا کنند و همه این جار و جنجالها برای مقاومت در مقابل این "تجزیه طلبی" است اگر به تبلیغات قشربون مذهبی گوش فرادهم بما خواهند گفت که "سنی ها" این جنگ ها را برآه میاندازند تا در "جمهوری اسلامی" سهم بیشتری بگیرند و بالاخره

اگره سخنان افراد و عناصری چون "مفتی زاده" گوش دهیم بمسأله خواهند گفت که کار کار "کمونیست های بیدین و بی وطن" است که از خارجی ها پول میگیرند تا در این مملکت آشوب بپا کنند و بر این منوال یکی با تانک و زره پوش و هیلیکوپتر و چتر باز به کردستان لشکر کشی میکند دیگری "مجاهدان" ارومیه را بجان خلق کرد می اندازد و سومی هم میلیون ها تومان پول برای "خنس کردن" "اثرات کمونیسم" طلب میکند. حقیقت چیست؟ در کردستان چه میگذرد؟

حقیقت اینست که برخلاف همه این تبلیغات مزورانه و گمراه کننده که هیچ چیز نیست مگر توجیهی بر جنایاتی که نسبت به خلق کرد روا میشود کردستان صحنه "گرم يك مبارزه" ملی و طبقاتی گسترده برای آزادی ملی و دموکراسی و حاکمیت خلق است.

مردم کرد ستان چه میخواهند؟

بارسنگین سالها ستم ملی و طبقاتی خلق دلاور کرد را بار دیگر به عرصه يك مبارزه گسترده و همه جانبه بر علیه ستم ملی مناسبات عقب مانده تولیدی و حاکمیت خانها و فئودالها و سرمایه داران وابسته و امپریالیسم کشانیده است. در یکسو توده وسیع دهقانان زحمتکش کرد و کارگران و همه مردم آزاد میخواه کردستان و در سوی دیگر ملاکین بزرگ و سران مرتجع عشایر سرمایه داران وابسته و مزدوران امپریالیسم. جنبه "بزرگ کردستان را تشکیل میدهند آنچه که به کردستان در این میان ویژگی خاصی بخشد گره خوردن مبارزه بر علیه ستم ملی با مبارزه طبقاتی است و پر واضح است که از این دو مبارزه طبقاتی و منافع طبقاتی تعیین کننده بوده و به جنبه دیگر این مبارزه جهت میدهد.

مردم زحمتکش کردستان خواهان از میان رفتن ستم ملی و احقاق حقوق پایمال شده، خلق کرد صادره و واگذاری اراضی مالکان بزرگ ارضی به شوراهای اتحادیه های دهقانی قطع نفوذ

عمال و ایادی امپریالیسم خواهان خود مختاری دموکراسی و آزادی هستند . خلق کرد تمام این مهائب و رنجها را به خاطر این اهداف عالیقدر است که تحمل کرده و میکند و می‌گذرد در راهشان باز می‌ایستد .

دشمنان خلق کرد چه کسانی هستند ؟

در صف مقدم دشمنان خلق کرد مالکان بزرگ اراضی و عمال و ایادی امپریالیسم "قیاده موقت" و پین مانده های رژیم منفرود شاه همچون پالیزیان و ۰۰۰ قرار دارند . مالکان بزرگ اراضی و عمال امپریالیسم که سالها از قبیل خون و رنج زحمتکشان کرد فریه شده و ثروت اندوخته اند دشمنان قسم خورده "آزادی خلق کرد" هستند زیرا این آزادی یعنی از دست رفتن همه آن زمینهای که بزور از دهقانان زحمتکش کرد تصاحب کرده اند . یعنی قطع نفوذ عمال امپریالیسم و بریدن دست کثیف آنان از این سرزمین مالکان بزرگ و خوانین مرتجع به یاری و ابتکار "قیاده موقت" این دستبروردگان رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم مسلح شده و دستجات مزدور برای انداختن و در مقابل خواسته های به حق دهقانان کرد مقاومت کرده و توطئه می‌چینند . آنها "اتحادیه-ها" و تشکل های مسلح فئودالی برای انداختن و هرکجا که میتوانند به دهقانان حمله میکنند و از هیچ جنایت و خیانتی نیز در این راه روگردان نیستند . این فئودالها و "قیاده موقت" که در زمان رژیم شاه عوامل این رژیم مرتجع بودند و از دستورات او اطاعت میکردند امروز لباس "اسلامی" و "میهمان" بتن کرده و همان کارهای سابق را زیر لوای جدیدی انجام میدهند . خلق قهرمان کرد برای رسیدن به اهداف مقدسش اول باید این دشمنان قسم خورده و غدار را از میان بردارد . سرکوب و مجازات دستجات مسلح فئودالی صادره و واگذاری زمین های مالکان

بزرگ به شوراها و اتحادیه های دهقانی و اخراج دارودسته
مزدور "قیاده موقت" راه رسیدن به این اهداف است. دموکراسی
و آزادی بدون حل مسئله ارضی بدون يك تحول بنیادی در منا -
سیات تولیدی و اجتماعی حاکم در کردستان ممکن نیست و بهمین
ترتیب کسب آزادی بازمانیکه دارودسته مزدور و مواجب بگیر "قیاده
موقت" در کردستان آزادانه فعالیت میکند و به نفع فئودالها و
امپریالیسم برعلیه دهقانان می جنگد امکان پذیر نیست.

پس پیشروی مصادره اراضی مالکان بزرگ پیشروی
اخراج قیاده موقت این عامل مستقیم امپریالیسم آمریکا
سیاست "دولت موقت" در کردستان چیست؟

"دولت موقت" که هدف مرکزیش عقیم گذاردن انقلاب نا تمام
ایران و تثبیت حاکمیت سرمایه داران و زمین داران بزرگ استدر
کردستان با مانع بزرگی روبرو شده است. خلق دلاور کرد که برای
آزادی مسلح و متشکل شده است حاضر نیست زیر بار سازش
با امپریالیسم و سرمایه داران برود و سرنوشت خود را بدست این
دولت بسپارد. آنها سرنوشت خود را خود بدست گرفته اند. دولت
موقت در برابر این مبارزات دست یاری و همدستی بسوی مالکان
بزرگ و دارودسته های وابسته به امپریالیسم چون "قیاده موقت"
دراز کرده و زیر عنوان "مبارزه با تجزیه طلبی" اما در حقیقت مبارزه
با انقلاب می خواهد بنفع دشمنان خلق کرد "نظم" را در این
منطقه برقرار کند. "ارتش اسلامی" در عمل به نفع این نیروهای
ارتجاعی وارد عمل شده و به فئودال ها و عوامل امپریالیسم
پشتگرمی می دهد. این ارتش به نفع همین نیروها به مرصوان
لشکر کشی کرده و به فئودالها و "قیاده موقت" اسلحه و پناه
میدهد. مردم کردستان هرکجا که به مبارزه با دشمنان اصلیشان
برخاسته اند "دولت موقت" و ارتش این دولت را در کنار آنها
و در مقابل خود دیده اند. کوششهای مترجمانه "دولت موقت"
باید پی زده شود و اینکار ممکن نیست مگر اینکه همه مردم آزاد میخواه

ایران و در راس آنها طبقه کارگر ایران در دفاع از خلق دلاور کرد
قدم به پیش بگذارند و مرتجعین را سر جای شان بنشانند .
مردم کردستان باید در انتخاب دوستان خود هوشیار باشند
نیروی وابسته و خود فروخته ای که در این میان می کوشد
مزورانه خود را دوست و حامی خلق کرد معرفی نماید . و خود
را بجای نمایند " این خلق قهرمان جا بزند " حزب دموکرات
کردستان می باشد . " حزب دموکرات کردستان " که در راس آن عد
ه ای جاسوس و وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی و متفقدین
محل نشسته اند نیروی است وابسته به بیگانه و خیانتکار . این
نیرو که نقش " حزب توده ایران " را در کردستان ایفا می نماید
با مالکان و " قیاده موقت " همدستی داشته و یک سر توطئه هائی
است که بر علیه خلق کرد طرح ریزی میشود . حزب دموکرات
برای آزادی خلق کرد مبارزه نکرده و بلکه برای رهبری و حاکمیت
خود و اربابانش فعالیت میکند و در نتیجه آنها حاضرند با همه کس
کار بیابند بشرط آنکه امور داخلی کردستان بدست آنها سپرده
شود .

خلق کرد کردستان تحت سلطه دارودسته " حزب دموکرات
رانعی خواهد زیرا چنین کردستانی کردستان آزاد نخواهد بود
افشا " حزب دموکرات کردستان این دوستان دروغین خلق کرد
و طرف این دارودسته یکی از شروط پیروزی خلق قهرمان کرد
است .

دروود به اتحادیه های دهقانی پرچمداران جنبش انقلابی خلق
کرد

خلق کرد در مبارزه اش به دستاوردهای بزرگی نائل شده که
در راس آنها ایجاد اتحادیه ها و شوراهای دهقانی در بسیاری
از دهات و مراکز روستایی کردستان می باشد . این اتحادیه ها
که به همت دهقانان مبارز و آزادیخواه و انقلابی بوجود آمده اند

نقش مؤثری در جنبش دهقانان کرد بر علیه مالکان بزرگ و خوانین
مرتجع و عمال امپریالیسم داشته و در موارد متعددی مستقیماً اقدام
به مصادره اراضی مالکان نموده اند . اتحادیه های دهقانی ادا
امور بسیاری از روستاها را بدست گرفته و مسلحانه در مقابل دست
اندازی مالکان و دستجات مسلح مزدورشان ایستادگی کرده و حا
کمیت خلق را برقرار ساخته اند . دفاع از آرمان های به حق خلق
کرد در درجه اول بمعنی دفاع از اتحادیه های دهقانی کردستان
این پرچمداران جنبش انقلابی خلق کرد می باشد . چرا که اتحا
دیه های دهقانی و شوراهای انقلابی شهروروستا شالوده واقعی
خود مختاری و حاکمیت خلق کرد است .

مرتجعین محلی و عوامل امپریالیسم از همه سو میکوشند تا
این تشکلهای انقلابی را از میان بردارند و در مقابل تشکل های
فئودالی و ارتجاعی خود را بنشانند . توطئه " خلع سلاح " برای
آنست که اسلحه را از دست پر قدرت دهقانان زحمتکش بگیرند و آنوقت
به آسانی آنها را سرکوب و قتل و عام کنند . مردم آزاد یخواه ایران
و بخصوص طبقه کارگر باید بیاری اتحادیه های دهقانی و شوراهای
انقلابی کردستان بشتابند و در مقابل یورش ارتجاع و امپریالیسم از
آنها دفاع نمایند . چرا که آزاد شدن خلق کرد از ستم ملی و طبقاتی
با آزادی تمام زحمتکشان و توده های خلقی از قید ارتجاع و امپریا
لیسم رابطه ناگسستی دارد .

پیروزی خلق کرد در رگرو پیروزی تمام خلقهای ایران و استقرار
جمهوری دموکراتیک خلق است .

به پشتیبانی خلق دلاور کرد بشتابید !
کردستان اینک دوران حساس و تعیین کننده ای را میگذراند
کردستان شعله گم و نیروبخش جنبش همه خلقهای ایران است
و از اینرو همه آن نیروهائی که خواهان سرکوب و از میان برداشتن
انقلاب ایران هستند برای خاموش کردن این مشعل فرزندان
کوشند و همه نیروهای انقلابی و همه مردم آزاد یخواه ایران باید به

یاری آن برخیزند و جنبش این خلق دلاور را که جزئی لاینفک
از انقلاب سرتاسری ایران است پربارتر سازند .
کردستان چنانچه شکست بخورد جنبش انقلابی همه مردم ایرا
شکستی سخت خورده و کردستان چنانچه پیروز شود انقلاب همه
مردم ایران گامی بلند به پیش برداشته است .

کردستان پرچمدار مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم
ایران است و هم انقلاب و هم ضد انقلاب به آن چشم دوخته اند . ضد
انقلاب می کوشد تا این پرچمدار را از پای در آورد و پرچم انقلاب
ایران را لگد مال سازد و انقلاب نیز باید در مقابل آنرا تقویت
و پشتیبانی نماید .

آنچه امروز در کردستان میگذرد و توطئه بزرگی که از جانب
نیروهای ضد انقلابی بر علیه خلق کرد در شرف تکوین است به هیچ
روجد از سرنوشت انقلاب بقیه مردم ایران نیست . انقلاب مردم
ایران با سرنوشت انقلاب در کردستان گره خورده است . ضد
انقلاب چه با تزویر و چه از جانب دوستان دروغین خلق کرد و چه
بصورت مسلحانه و لشکرکشی آشکاره کردستان بر علیه این انقلاب
برخاسته است . خلق دلیر کرد نباید تنها بماند . ضد انقلاب
میخواهد با تبلیغات مزورانه اش بقیه مردم ایران را نسبت به خلق
کرد بدبین سازد و با براه انداختن دعوی "کرد و فارس" "کرد
ترك" و "شیعه و سنی" بین خلقهای ایران جدائی بیاندازد تا
آسان تر بتواند این خلق قهرمان را سرکوب سازد . در چنین
شرایطی وظیفه مبهم و حیاتی همه نیروهای انقلابی است که صفوف
خود را در دفاع از خلق قهرمان کرد در دفاع از مبارزات زحمتکشان
کردستان متحد نمایند و همه را به یاری این خلق فراخوانند .

دارودسته های وابسته به امپریالیسم و در رأس آنها "قیاده موقت"
می کوشند برای بازگشت سلطه امپریالیسم در کردستان جا پائی
باز کنند و از این منطقه به سرتاسر ایران پل بزنند و "دولت موقت"
نیز که با انقلاب پیش از ضد انقلاب دشمنی دارد . بازچه همین

توطئه بد فرجام است .
مردم آزادیخواه ایران کارگران مبارز گروهها و سازمانهای
انقلابی

جنبش خلق دلاور کرد امروز بیش از هر زمان دیگری به یاری
و پشتیبانی شمانیان است . ادامه پیروزمند انقلاب ایران و
رسیدن به آزادی و استقلال واقعی بدون حمایت از خواسته های
به حق خلق کرد ممکن نیست برای آزاد و استقلال همه ایران
عزیز برای برقراری حاکمیت خلق برای پیروزی انقلاب به پشتیبانی
از خلق دلاور کردستان بشتاییم .

کفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸/۵/۱۷



دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان